بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 8 آبان 1396.

در جلسه قبل عرض شد که مرحوم کلینی و مرحوم صدوق که روایت های کتابشان را صحیح می دانند و به آن فتوا می دهند، در همه موارد نمی شود از این فتوا دادن و صحیح دانستن نتیجه گرفت که راوی روایت را هم از جهت سندی معتبر می دانستند. مواردش فرق دارد. عرض کردیم که در مثلا کتاب الحجه در مستحبات امثال اینها نقل روایت از یک نفر می تواند برای مقدمه اطمینان بخشی باشد در کتاب الحجه و در مستحبات می تواند به جهت تسامح در ادله سنن باشد. خب ما یک شاهدی در مورد فقیه در جلسه قبل عرض کردیم حالا من شاهدی در مورد کافی می خواهم عرض کنم که در جلسه قبل هم شاره کردم یک مقداری این را می خواهم با آمار عرض کنم. عرض کردم حاج آقا که این مطلب را در بحث کافی می فرمودند اشاره می کردند که میزان مجهولین و ضعفا در کتاب الحجه خیلی بیشتر از جاهای دیگر است. من حالا این را بر اساس یک آماری که از اظهار نظر مرحوم مجلسی در مرآه العقول استخراج کردم یک قسمتی را عرض می کنم خدمت شما. من جلد سوم کتاب مرآه العقول را که وسط های کتاب الحجه هست را برداشتم. هفتاد روایت اولش را اظهار نظر هایی که مرحوم مجلسی دارند را به اصطلاح آمار گرفتم. این هفتاد تا دو قسمت هست. یک سری مجموعه ضعیف ها هست و یک سری مجموعه معتبر ها هست. یک مورد هم مختلفٌ فیه بود که آن را کنار گذاشتم و هفتاد روایت منهای آن را در نظر گرفتم. مجموعه ضعیف هایش که ضعیف 32 تا و مجهولٌ کالصحیح یک دانه و مجهولٌ 9 تا و مرسلٌ 1 دانه و مرسلٌ مجهول 1 دانه و ضعیف کالموثّق یک دانه و مرفوعٌ یک دانه و مجموعش چهل و شش تا روایت بود. مجموعه معتبرهایش این است. موثّق یک دانه حسنٌ موثّق یک دانه، صحیح 15 مورد، حسن 6 مورد، حسنٌ کالصحیح یک مورد. مجموعا 24 مورد. 24 مورد یعنی مجموعه ضعیف هایش یک مقداری از 70% کمتر است و شصت و خورده ای درصد هست و حالا مثلا شصت و هفت هشت درصد است. مجموعه معتبرهایش سی و دو سه درصد. یعنی نزدیک شصت و هفت هشت درصدش ضعیف ها است. خب ببینید این شکلی. ولی در کتاب الحج که ما دیروز هم مقایسه ای که کردیم در مورد کتاب الحج بود. کتاب الحج دقیقا رفتم همان جایی که در فقیه دنبال کردم همان قسمت را آوردم که روایت های مربوط به احرام و اینها هست. از صفحه 235 تا 264، هفتاد روایتش را آمار گرفتم. مجموعه ضعیف هایش این ها است. ضعیف 15 تا. مرسل 2 تا. مجهول 9 تا. مرسلٌ کالحسن 2 تا. مرسلٌ کالموثّق 1 دانه. مرسلٌ کالحسن 2 تا. مجموعه اش 31 دانه. مجموعه معتبرهایش حسن 19 تا. حسنٌ کالصحیح 4 تا. صحیح 9 تا. موثّق 7 تا. مجموعه اش 39 تا. یعنی ضعیف ها آنجا حدود شصت و هفت هشت درصد بود و اینجا زیر چهل درصد است. چهل و سه چهار درصد می شود. ببینید تفاوت خیلی است. چیزی حدود سی درصد تقریبا بیست و پنج درصد چقدر تفاوت هست. جالب اینجا بود که در همین کتاب الحج رفتم مستحباتش را، یک بابی که در مستحبات همان فضائل الحج که در فقیه دنبال کردم اینجا هم آن باب را دنبال کردم. حالا این آمارهایی که من می دهم ممکن است بعضی هایش یکی اشتباه باشد دوباره چک نکردم ممکن است یکی کم و یکی زیاد شود. خیلی در این آمارگیری کلی ما تغییری ایجاد نمی کند یکی بالا و پایین. 48 تا حدیث در باب فضل الحج بود. در این 48 حدیث، ضعیف هایش اینها بود. مجهول 12 تا. مجهول کالحسن 1 دانه. ضعیف 10 تا. مجهول کالصحیح 1 دانه. مرسل 5 تا. صحیح 4 تا. مختلفٌ فیه هم 1 دانه که آن مختلفٌ فیه کنار برود. مجموعه ضعیف هایش 29 تا است. معتبر هایش، حسن 8 تا. حسن أو موثق 1 دانه. حسن کاصحیح 5 تا. صحیح 4 تا. مجموعه معتبرهایش 18 تا که از حدود مثلا 50 تا اگر در نظر بگیریم حدود 60% اینها هست. ببینید مجموعه ضعیف های اینجا 60% بود در آن شصت و هفت هشت درصد بود. خیلی نزدیک اینها است. با چیز کاملا فاصله دارد. با آن باب های واجبات و اینها. این آمارهایش خیلی، دقیقا مشخّص است که نحوه اعتنای به سند در کتاب الحجه و در مستحبات به مراتب پایین تر از واجبات است. همان نکته ای که حاج آقا روی آن تکیه می فرمودند که باید مربوط به واجبات و امور تعبدی الزامی باشد. نه در اموری که اطمینان در آن معتبر هست مثل کتاب الحجه و امثال اینها که این خودش کامل مشخص می کند که مطلب همین طور است که عرض کردم. این جلد پنجم بله همین آمارهایی که عرض کردم.

حالا بیاییم تو ابو سمینه. ببینیم ابو سمینه را مرحوم کلینی چطور با او برخورد کرده است. چه مقدار به او اعتنا دارد. من متأسفانه فقط مواردی که محمد بن علی مراد ابو سمینه بود را رسیدم نگاه کنم. محمد بن علی الکوفی یا محمد بن علی الصیرفی و اینها اگر در این آمار می آمد دقیق تر می شد. ولی آنها خیلی موارد زیادی نیست و تک و توک نیست شاید در این آمار ما خیلی دخالت ندارد. مواردی که محمد بن علی ابو سمینه به کار رفته است در کافی محمد بن علی ای که مراد ابو سمینه هست دقیقا در همان باب هایی هست که به سند خیلی اعتنا ندارد مرحوم کلینی. مثلا در کتاب الحجه همین دو تا کتابی که مقایسه کرده بودم در اینها در کتاب الحجه محمد بن علی 43 مورد آمده است. و در کتاب الحج تنها 4 مورد محمد بن علی آمده است. خب مشخص است این آمار این است که این جور نیست که کلینی نحوه برخوردش را کاملا می بینید. در جلد 6 کافی این محمد بن علی زیاد وارد شده است. در چه باب هایی هست مراجعه کنید باب میوه جات، دواجن مثلا فضل مستحباتی مثل اینکه مثلا انواع و اقسام نحوه حیوان

امور فضائل و آداب و این جور چیزها هست. در باب های الزامی خیلی نادر این محمد بن علی اسمش وارد شده است. مثلا جلد سوم کافی که مربوط به کل جلد سوم را من نگاه کردم که مربوط به واجبات هست عمدتا کلا 9 مورد محمد بن علی ابو سمینه بود. محمد بن علی ای که مراد ابو سمینه است. در حالی که کتاب الحجه که تمام جلد اول هم نیست 43 مورد این وارد شده بود. در جلد هفتم کافی هم 9 مورد. که اینها جلد هایی هستند که حجمشان خیلی بیشتر از کتاب الحجه هست. ولی کل روایت های که از ابو سمینه حالا من خیلی نرفتم دقیق خیلی هایش هم بروید واردش شوید می بینید همان ها هم مستحبات مواردی هست که جاهای دیگر نام یک راوی هم وارد شده است و امثال اینها.

سؤال:

پاسخ: نه آن بحث این است که اکثار در صورتی که اعتماد شخص به حال راوی باشد. مطلق اکثار کافی نیست. اکثار باید محلش هم مشخص کرد که کجاها اکثار شده است. یادم هست حاج قا در مورد حسین بن علوان همین مطلب را مطرح می کردند که حسین بن علوان را بعضی وقت ها با اکثار روایت حسین بن سعید خواسته بودند بعضی ها توثیق کنند حاج آقا مراجعه کرده بودند موارد روایت حسین بن سعید و حسین بن علوان را گفتند مربوط به مستحبات و آداب و این

سؤال:

پاسخ: بله، نه این که می خواهم بگویم نکته ای که می خواهم بگویم این است ببینید تقیّد کلینی در اینکه فقط، یعنی محمد بن علی ابی سمینه یک راوی بسیار پر روایتی هست. فرض کنید ما نگاه می کنیم مرحوم کلینی مثلا مجموعا 100 روایت از او کرده است. این 100 روایت الزامیاتش 5 تا است و غیر الزامیاتش 95 تا است. این خودش کاشف از این است که عنایت دارد یک نکته ای هست که این وسط هست. حالا اجازه دهید من بحث را یک مقداری پیش روم یک مقداری شاید بحث روشن تر هم شود.

سؤال:

پاسخ: نه این منافاتی ندارد یعنی به هر حال از مجموعه اینها می خواهد اطمینان حاصل کند. باشد اشکالی ندارد مجموعه آن 16 تا ولو این 11 تا که ابو سمینه هست این 11 تا به علاوه آن 16 تا اطمینان بخش بود. این بحثش این است دیگر.

سؤال:

پاسخ: آورده است فقط روایت ابو سمینه ضعیف نیست. عرض کردم آمارگیری ضعیف ها را که آوردم آمارگیری فقط ضعیف ها نیست. بحث این است که در کتاب الحجه اصلا بنا بنای اعتماد به سند نیست. آن آمارگیری هایی که کردم برای همین جهت بود.

خب این است که دقیقا مشخص است که مرحوم کلینی عنایت دارد نمی خواهد همیشه

من فرصت نکردم این را نگاه کنم ببینم تعبیر ابی سمینه با ابی سمینه در کافی آیا هست یا نیست. خب نیست. این خود همین هم نشانگر این است که ایشان نمی خواهد کنیه معروف ابو سمینه را، در حالی که مثلا در محاسن برقی مکرر ابی سمینه تعبیر کرده است. در کتاب های شیخ صدوق هم با تعبیر ابی سمینه مکرر هست. ولی کلینی با وجود این همه روایت آوردن ابی سمینه تعبیر نمی کند. کأنه آن بار منفی ای که وجود دارد نمی خواهد به این روایت هایی که اعتمادش به خاطر راوی نیست بیفتد. یک نکته ای را اجازه دهید عرض کنم. ممکن است شما بگویید که علتی که این قضیه پیش آمده است این است که کتاب هایی را مرحوم کلینی روایت های ابو سمینه را از او نقل کرده است که آن کتاب ها بیشتر مربوط به مباحث مربوط به کتاب الحجه بودند. چون راوی ابو سمینه ای که در کافی هست عمدتا این 3 نفر هستند. یکی احمد بن مهران است و یکی احمد بن ابی عبد الله برقی است و یکی علی بن حصّان است. بگویید شما این سه نفر چون کتاب هایشان مربوط به کتاب الحجه و این جور مطالب بوده است نکته ای که در کتاب الحجه حجم روایت هایش زیاد بوده است این نکته است. و احمد بن ابی عبد الله برقی هم بیشتر به روایت های غیر فقهی و امثال اینها شناخته شده است. اصلا یک محدّث مورّخ و ادیب و فرق دارد بین مثلا احمد بن محمد بن عیسی با احمد بن محمد بن خالد او بیشتر جنبه فقیه و فقاهت و امثال اینها است. احمد بن ابی عبد الله به این سبک نیست. محاس برقی را کتاب هایش را که شما مراجعه فرمایید می بینید که جنبه فقهی در آن کمرنگ است. این طور ممکن است بگوییم. ولی بحث این است که چرا ایشان نرفته است از کسانی که در بحث های فقهی از ابو سمینه روایت کرده اند از آنها نقل کند؟ همان علی بن حسن بن فضال که من عرض کردم، علی بن حسن بن فضال جزء کسانی است که کلینی از او زیاد روایت دارد. در باب های الزامی و امثال اینها هم زیاد روایت دارد. از آن علی بن حسن بن فضال به نقل شیخ طوسی در تهذیب در کتاب هایش 31 مورد از محمد بن علی ابی سمینه روایت دارد که عمدتا هم الزامیات است. هیچ یک از آن روایات در کافی نقل نشده است. بعضی هایش نقل شده از غیر طریق محمد بن علی است و بعضی هایش هم نقل نشده است. این تصادفی نیست. اینکه روایت های الزامی ای که ابو سمینه علی بن حسن بن فضال آورده است هیچ کدامش را نیاورده است این تصادفی نیست پیداست که ایشان عنایت دارد به اینکه در الزامیات از ابو سمینه نقل نکند. و خود این نشانگر این است که مرحوم کلینی هم ابو سمینه را معتبر نمی دانسته است و چه بسا ما نحوه نقل کلینی را دلیل بر تضعیف کلینی نسبت به ابو سمینه تلقی کنیم. نه تنها بگوییم کلینی توثیق می کند بلکه بگوییم کلینی این نحوه برخورد منفی ای که دارد این برخورد منفی نشانگر این است که او را ضعیف می دانسته است. اجازه دهید این نکته را عرض کنم ممکن است شما بگویید که مرحوم کلینی علتی که نقل نکرده است به خاطر چیز منفی ای که نسبت به ابو سمینه بوده است. به خاطر اینکه احمد بن محمد بن عیسی آن برخورد آنگونه که با او داشته است امثال اینها. نکته ای که نقل نکرده است این است دقیقا یک کسی که همان وضعیت مشابه را دارد یعنی سهل بن زیاد که کان احمد بن محمد بن عیسی یشهد علی بالغلوّ و الکذب و اخرجه من قم دقیقا همه آن پارامتر هایی که در مورد ابو سمینه هست در مورد سهل بن زیاد هم هست. ولی فراوان کلینی از او نقل می کند. خیلی کلینی نسبت به برخورد احمد بن محمد بن عیسی انقدر چیز نیست به اصطلاح تحفّظ ندارد و نگران این نیست که مثلا احمد بن محمد بن عیسی حالا یک نفر را تضعیف کرده است من نقل نکنم. بسیاری از کسانی که در همین عرض کنم حسین بن

حالا آن انقدر نیست. عرض کنم خدمت شما کسانی که مورد تضعیف ائمه حالا کسانی که از قم اخراج شده اند ابو سمینه هست و سهل بن زیاد هست و حسین بن عبید الله سعدی هست و احمد بن محمد بن خالد برقی هست و همین چهار نفر هستند که این چیز مشابه را دارند. غرض من این است که نحوه برخورد کلینی نسبت به سهل بن زیاد را اگر مقایسه کنیم با نحوه برخورد کلینی نسبت به ابو سمینه کاملا تفاوت اینها چشمگیر است. روی همین جهت به نظر ما کلینی سهل بن زیاد را ثقه می دانسته است و خیلی ثقه محکمی هم می دانسته است که با وجود فضای منفی ای که در قم حاکم بوده است احمد بن محمد بن عیسی ای که در قم آنقدر هم اعتقاد اجتماعی داشته است البته کلینی دوره احمد بن محمد بن عیسی را درک نکرده است ولی هنوز آن فضای اقتدار علمی احمد بن محمد بن عیسی بر قم حاکم است. شاگردهایش مثل سعد بن عبد الله محمد بن حسن صفار، احمد بن ادریس، علی بن ابراهیم، حالا علی بن ابراهیم یک مقداری انقدر شاگرد خاص احمد بن محمد بن عیسی نیست. آنها خیلی هایشان هم از مشایخ کلینی هست ولی خیلی نسبت به سهل بن زیاد ایشان اعتنا نمی کند به آن چیزها. و این نشانگر این است که سهل بن زیاد را خیلی محکم ثقه می دانسته است. کلینی وثاقت سهل بن زیاد برایش خیلی واضح بوده است که در قبال آن همه تضعیفاتی که، یعنی آن محکمی یشهد علیه بالغلوّ و الکذب که احمد بن محمد بن عیسی بوده هیچگونه به او عکس العمل نشان نمی دهد. این است که بنابراین عرض من این است که فرق است بین کسانی مثل نوفلی، سکونی، سهل بن زیاد، محمد بن عیسی عبیدی، امثال اینها که از نحوه برخورد کلینی کاملا مشخص است که کلینی اینها را ثقه می داند و توثیق می کند. و محمد بن علی ابی سمینه. محمد بن علی ابی سمینه را اگر نگوییم از نحوه برخورد کلینی تضعیف کلینی نسبت به او استفاده می شود حداقل این است که توثیق استفاده نمی شود. عمده

سؤال:

پاسخ: نه آنهایش هم حالا من چیز نکردم آنها هم موارد محدودی هم که هست حالا یک نکته ای هم ادامه اش عرض کنم یکی از قرائنی که ما ذکر کرده بودیم در باب منفرد ذکر کردن کلینی هست. من در باب منفرد ذکر کردن کلینی که ابو سمینه هست را دنبال کردم. فقط در سه باب دیدم. حالا کتاب الحجه را نگاه نکردم. غیر کتاب الحجه نگاه کردم یکی باب لبت صیاب کعبه. اینکه صیاب کعبه را می شود پوشید یا خیر. خیلی معلوم نیست این حکم را الزامی می دانسته است. کراهت لبت صیاب کعبه است این را آنجا یک روایت از ابو سمینه مطرح کرده است. کافی جلد 4 صفحه 230 حدیث 1. یکی در باب نحکی العزام. اینکه آدم استخان ها را خیلی خوب بلیسد و کاملا گوشت هایش را جدا کند که اینها امور آداب و امثال اینها است. کافی جلد 6 صفحه 322 حدیث 1. باب الجزع الیمانی و البلّور. عقیق یک نوع جزع یک نوع سنگ خاتم هست یک نوع سنگی بوده است که به عنوان انگشتری از آن استفاده می کردند. بلور هم به عنوان انگشتری از آن استفاده می کردند. این فرق دارد با یاسین زریر. یاسین زریر در یک باب الزامی خاص وارد شده است. ولی این ابی سمینه نه باب منفرد هم که روایت ابی سمینه وارد شده است باب های غیر الزامی و آداب و این جور چیزها هست. این است که مجموعا چیزی که تنها از قرائن توثیق می شود قابل تحمل هست که ما هم قبول هم نکردیم روایت علی بن حسن بن فضال است. در اینها آن که قابل توجه هست فقط روایت علی بن حسن بن فضال است که آن هم با توجه به توضیحاتی که عرض کردیم خیلی نمی شود به آن اعتنا کرد. البته به نظر من با توجه به اینکه این احتمال واقعا هست که روایت محمد بن علی ابی سمینه ای که علی بن حسن بن فضال نقل کرده است به جهت اینکه طریق به کتاب بوده است. در نتیجه روایت هایی که علی بن حسن بن فضال نقل می کند به خصوص روایت هایی که علی بن حسن بن فضال از محمد بن علی عن ابن محبوب نقل می کند و در مرحله بعد علی بن حسن بن فضال از محمد بن علی از علی بن نعمان نقل می کند، این ها را احتمال اینکه علی بن حسن بن فضال اینها را از کتاب ابن محبوب گرفته باشد یا از کتاب علی بن نعمان گرفته باشد و ذکر ابی سمینه تشریفاتی باشد، این احتمالش به نظر من جدی است. و امثال اینها. یک مقداری به نظرم اگر یک روایتی باشد که در این محدوده ها باشد یعنی روایت علی بن حسن بن فضال عن محمد بن علی عن ابن محبوب و علی بن حسن بن فضال عن محمد بن علی عن علی بن نعمان. این محدوده را باید یک مقداری با احتیاط با آن برخورد کرد. سخت است به آسانی از کنار این روایت ها گذشتن و اینها را معتبر ندانستن. البته می گویم احتمال هم دارد که ایشان اصلا ابو سمینه را به طور کلی معتبر بداند. در حد یک احتمال هست فقط.

سؤآل:

پاسخ: در مورد ابن محبوب عرض کردم دیگر دقیقا همین ابن محبوب را در مورد احمد بن هلال ابن غضائری می گوید که احمد بن هلال مواردی که از کتاب ابن محبوب اخذ می کند اشکال ندارد. ولو ذکر نمی کند ولی اینها در واقع روایت هایی که از احمد بن هلال از ابن محبوب هست عمدتا همین هایی هست که از کتاب احمد بن محبوب اخذ کرده است. ولو ابن غضائری نمی گوید کجاها احمد بن هلال از کتاب حسن بن محبوب اخذ کرده است ولی موارد زیادی که احمد بن هلال در کتاب های ما واقع است به نسبت زیاد ولی خیلی زیاد نیست. اگر نگاه کنید اکثرش همین مواردی هست که از ابن محبوب است. یعنی داخل در آن مستثنای ابن غضائری است. این جور نیست که در کتاب معروف یک شخص چون اینها یک کتاب معروف بوده است و یک نوع تشرفاتی بودن کاملا طبیعی بوده است که اینها را تشریفاتی تلقی کنند. البته عرض کردم مرحوم، حالا مرحوم تلقی نکنم چون فتحی است، علی بن حسن بن فضال ایشان این مراعات را هم کرده است اگر هم تشریفات باشد تعیر را تعبیری نیاورده است که همه اشخاص خیلی سریع متوجه شوند که این همان ابو سمینه است و همان عکس العمل منفی ای که طایفه امامیه در کوفه و در قم نسبت به محمد بن علی ابی سمینه داشته اند به این روایت هایی که کأنه محمد بن علی در آن صرفا یک شخص تشریفاتی بوده است منتقل شود. حالا خلاصه عرض من این است که تنها قرینه ای که می شود تا حدودی به آن توجه کرد بر توثیق محمد بن علی ابی سمینه آن هم در حد یک احتمال، روایت علی بن حسن بن فضال است. آن را حالا اگر هم باشد در قبال آن همه تضعیفات جدی ای که نسبت به ابو سمینه شده است آن به فرض هم آن چیز باشد اصلا قابل اعتنا نیست.

سؤال:

پاسخ: تهذیب بله. به خصوص با ویژگی هایی که در مورد این قضیه مطرح کردیم. بنابراین نتیجه عرض ما این است که ما به هیچ وجه محمد بن علی ابی سمینه را نمی توانیم توثیق کنیم. البته این نکته را هم توجه فرمایید که آدم هایی که ضعیف هستند این جور نیست که روایت هایی که نقل می کنند همه شان مجعول باشد. غالب روایت های آدم های ضعیف روایت های معتبر است و الا اگر کسی بخواهد از اول تا آخر روایت های ضعیف نقل کند که شناخته می شود. چند نکته در مورد آدم های ضعیف هست. اولا خیلی مقیّد نیستند که حدیث را دقیق نقل کنند. خیلی وقت ها ممکن است حدیثشان کم یا زیاد شود. یک نوع عدم ضبط برای آنها حاکم است. حالا ما این مسئله ضابط نبودن را دقیقا در مورد افراد می بینیم. خیلی افراد آدم های خوبی هستند ولی در نقلیات آن ضبط کامل را ندارند. و این هم ضبط هم مراحل دارد. بعضی ها خیلی دقیق هستند. حالا من یک نمونه ای را به شما عرض کنم این را آقای حسن آقای طارمی ایشان معاون علمی دانشنامه جهان اسلام که خب خیلی با پژوهشگرهای زیادی به دلیل همان ارتباط دانشنامه ای با اینها ارتباط داشته بود یک موقعی می گفت که من در کلاس هایی که روش تحقیق درس می دادم یک نمونه را خیلی مثال می زدم. یک نمونه خاصی را. گفت در یک موضوعی من مطلبی را از حاج آقای شما شنیده بودم رفتم خدمتشان گفتم شما این مطلب را بگویید من یادداشت کنم یادم نیست دقیقا مطلبش چه بود. آن در خاطرم نمانده است. مطلبی از آقای حاج آقا مرتضی حائری نقل می کردند گفتند که من می گویم ولی شما خودتان بروید مستقیم از آقای حائری مستقیم بشنوید که جزئیات نقل دقیق تر شود. گفتم من نقل حاج آقا را نوشتم در یک برگه ای و بعد رفتم خدمت مرحوم حاج آقا مرتضی حائری و حاج آقا مرتضی حائری متن را خواندند و گفتند که اینجا من این لفظ را به کار نبرده بودم و این لفظ را به کار برده بودم. آن برگه اصلاح شده ای که آقای حائری با خط خودشان اصلاح کرده بودند گاهی اوقات به افراد نشان می دادم. تفاوت هایی که هست خیلی ریز است. تفاوت های نقل به معناهای خیلی خاص. ولی توجهی که به این دقت نظر ها که خیلی مهم است. هم خود حاج آقا، حاج آقا خودشان خیلی دقیق هستند در نقل ولی گاهی اوقات می گویند ممکن است من بعضی جاها نقل به معنا کرده باشم. شما بروید از خود آن راوی اولیه تحمل کنید که این دقت نظرها هم رعایت شود. این خودش در پژوهش مهم است. هر چه واسطه کمتر شود هر چه نقل های ما دقیق تر باشد اعتبار نقل بالاتر می رود. ما خیلی باید عادت کنیم در نقلیاتمان به دقت نظر. خیلی دقت نظر باید برای آدم ملکه شود. بعضی ها اساسا اهل مسامحه هستند. برایشان هم مهم نیست. یک سری افرد هستند ر تاریخ وفات های خودشان شبیه زن ها هستند. یعنی هر چه شد شد. خدا گذشتگان شما را رحمت کند. حالا زن ها بعضی وقت ها اصلا مقید هستند که تاریخ ولادت های خودشان را نگویند بعضی ها هم نه اینکه دروغ می گویند برایشان مهم نیست و اشتباه های خیلی عجیب و غریب در آنها هست. در مرد ها هم این مطلب هست که نسبت به این جور امور بعضی افراد دقیق نیستند گاهی اوقات. ولی بعضی افراد خیلی دقیق هستند. مرحوم صاحب معالم در منتقی الجمان خیلی آدم دقیقی هست. اصلا نقلیاتی که ایشان می کند فوق العاده است. ایشان مثلا ببینید نسخه اصلی تهذیب شیخ طوسی در اختیار مرحوم شهید ثانی بوده است و صاحب معالم هم که پسر شهید ثانی هست این نسخه در اختیارش بوده است. این نسخه از صلوه هست تا قسمتی از زکاه قسمتی از این نسخه بوده است. من یک موقعی مواردی که صاحب معالم از نسخه اصل تهذیب نقل می کند همه مواردش را استخراج کرده بودم شصت هفتاد مورد بود و اینها به نظرم حدودا یک چهارم محدوده ای که ایشان نقل می کند یک چهارم تهذیب بود. قسمتی از صلوه بود و تا زکاه و الآن دارم از حفظ مطلب را نقل می کنم دقیق نیست نقلم. غرضم این است که شما اگر مراجعه کنید به بعضی نقل های ایشان. ایشان می گوید که مثلا اینجا اصل نسخه شیخ این شکلی بوده است. مثلا اصل نسخه شیخ اینجا عن بوده است و بعد این عن را این شکلی می نوشتند دو طرف چشم عین را خود مؤلف به هم وصل کرده است و تبدیل به واو کرده است. این واو است که در اصل عن بوده است. ببینید در اصل چطوری دقت نظر می کند. یک جا می گوید که تغییری در این عبارت ایجاد شده است نمی دانم که خود شیخ طوسی این تغییر را ایجاد کرده است یا کسی دیگر. نمی دانم که خط شیخ طوسی است یا خط کسی دیگر است نمی دانم. انقدر ریزه کاری هایی در گزارش را مراعات کرده است که آدم تعجب می کند. خب این نقل صاحب معالم کجا و نقل بعضی از محدثین برجسته دیگر ما کجا. بعضی محدثین ما خیلی برجسته هستند. مثل شیخ حر عاملی واقعا محدث برجسته ای است ولی به ریزه کاری ها اصلا مقید نیست. ریزه کاری ها را اصلا نقل نمی کند. خیلی چون، البته صاحب معالم به دلیل این ریزه کاری ها عمرش کفاف ندارد منتقی را، در کتاب الحج دیگر عمرش از بین رفت شاید ما نیاز به افرادی مانند شیخ حرّ داریم تا بتوانند مجموعه را به یک سامانی برسانند. ولی ما آدم های دقیق النظری هم می خواهیم تا بتوانند خیلی دقیق مطالب را منتقل کنند. خب این بحث تمام. من فردا انشاء الله بحثی که دنبال می کردیم در مورد ارث اجداد این بحث را یک سری نکات جزئی در موردش است این بحث را تمام می کنیم فردا روز آخر بحث ما است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد